

مانند موسیقی سنتی می‌تواند خوب یا بد باشد و نمی‌تواند یک ژانر را کلاً زیر سؤال برد حتی موسیقی پاپ را که اهلا آن حسنه‌های زیادی نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا بر پویه آن وارد آورده اند. من تلاش کردم موسیقی سنتی در ملودی‌ها نوازندگی ستور به بهترین حد ممکن در نوع خودش باشد اما تنظیمه تنظیمی است که برای همای و عروسی انجام شده است. ش تواینید در عروسی که همه دارند همدیگر را می‌زنند از پنج نوازند هرن استفاده کنید. ما باید با یک درام بسته کیبورد و ستور فیلمه اجرا می‌کردیم تا شبیه یک عروسی امروزی جلوه کند و موسیقی باید با صحنه‌های داستان آن منطبق باشد. نمی‌شود وقتی دو پارک چون مرد و زن در چادر کنار رودخانه نشسته اند. ماهی برای سالی نو اجرا کرد. در آن صورت دیگر موسیقی با فضای فیلم منطبق نیست. گزنی می‌توانست موسیقی سنتی اجرا کند.

• به نظر شما اگر موسیقی سنتی، فضایی شبیه موسیقی فیلم دانشگان داشت بازم چنین مورد استقبال قرار می‌گرفت و سبب توجه مخاطبین به سازهای سنتی نمی‌شد؟

• در این زمان من فکر نمی‌کنم. دانشگان در دوره خودش تأثیر خودش را گذاشت. به هر حال من فکر می‌کنم یکی از دلایل موفقیت موسیقی سنتی از آنجا نشأت می‌گرفت که آقای مهرجویی به عنوان کارگردان دست هر کسی از عوامل را در حیطه کاری مهرجویی باز گذاشتند. من کارگردان‌های دیگر را دیدم که در مورد موسیقی فیلمشان نت به نت نظر می‌دهند. البته بعضی از موسیقی‌هایی که من ساختم حذف شد مثلاً چهرامضریبا که سادته بود و همچنین قطعه‌ای که از مجموع ملودی صافی برای تیتراژ آخر ساختیم. اما آقای مهرجویی دوست داشتند فیلم کمی عمق تمام شود و آن موسیقی را تحت تأثیر قرار می‌داد.

• و حرف آخر؟

• در خاسته می‌خواهم از کسانی که برای موسیقی این مرز و بوم و به ویژه هنرهای سنتی زحمت کشیده و هنوز هم برای انقلابی این هنر خالصانه تلاش می‌کنند به عنوان یک شاکرد تشکر کنم. جناب استاد مایور، مرحوم روزنامه‌نویس مجید کیانی، رضا شفیعیان، خاتم رفیع ابراهیمی، خاتم هاشمی، خاتم ذاکری، خاتم سوسن اسلانی، میلاد کیانی، فضل الهی، توکل، موسیو شاماد، پرویز مشکاتیان، پشتک کامکار و تمامی اساتید متبحر و غیرمتبحر در کار من و امثال من تأثیر فراوان داشته و دارند. امید وارم که شاهد نسل‌های بر سر موسیقی ما برقرار باشد و حوضران در آسمان یا هنر ایران زمین بیاید باشد.

• از وقتی که گذاشتید تشکر می‌کنیم.

• من هم از شما تشکر می‌کنم.

جایی که قدم می‌گذاریم موروی بر سنتونوازی اردوان کامکار

گیا رس محسنی

ستور و ویژگی‌های نوازندگی‌اش طی دهه‌های گذشته دچار تحولاتی بوده که برخی را می‌توان مثبت ارزی کرد و برخی را تنها باید به عنوان تجربه‌ای گذرا از آن یاد برد. آنچه از منظر نگارنده مهم می‌نماید این است که اینگونه تجارب را نباید منفی تلقی کرد. حال محسنی که در این مقال مورد توجه قرار گرفته، تحولات با حفظ نشوونات ارزش‌های سنتی در تمامی ارکان از قبیل جامعه‌شناختی، زیبایی‌شناسی، تکنیک نوازندگی، آهنگسازی، ساختار ساز، بودیزدین این حقیقت تلخ که جامعه موسیقی ایران با شرایطی جامعه‌ی کنونی تطبیق نداشته و به میزان قابل‌توجهی موسیقی‌اش متأثر از آهنگ‌های سنت‌گرای جامعه بوده و خود را بیشتر و قفح آن قسندر از جامعه کرده است و آنچه که در این وضعیت رخ داده، عدم مقابله این نوع موسیقی از سوی لایه‌های غیر سنتی جامعه همه که آن را به عنوان یک کل در نظر گرفته است.

ستور که از گونه‌های سازهای سنتی بوده که تغییر ظاهر و ساختاری از جز در محدوده‌ی صداهندگی، ابعاد، تعداد خرک و جزئیاتی از این قبیل ولی قرن‌های سده‌های تمدنی تحول اساسی در آن صورت نگرفته است. همچنان سازهای دست‌نخورده منظر می‌شود. سبب طبیعی‌ست اگر قرار باشد تحولی صورت بگیرد با حفظ نشوونات ارزش‌های سنتی نوازندگی منتج این تحولات محسوب می‌شود. از باززینی خصوصی سبک، منحصر بودن برای فرد صاحب سبک است. یعنی اینکه پیش از آن توسط فرد یا افراد غیر صورت نگرفته باشد. که البته مقبولیت یا عدم مقبولیت آن تنها در گرو ثبت و دوام سبک بوده و در مورد بنیوش یا نغمی آن نقشی ندارد. ممکن است یک سبک مدت کوتاهی عمر کند، آنکه البته نمی‌توان وجود آن را منکر بود. بنابراین آن را ثبت شده نباید تلقی کرد. کما اینکه ممکن است تأثیر خود را به عنوان الگویی برای دیگر سبک‌ها بگذارد که تا این خود از دیگر ویژگی‌های سبک باید منظور کرد.

حال آیا اردوان کامکار را می‌توان صاحب سبک نامید؟ پاسخ این سوال با نامردن خصوصیات نوازندگی او و مقایسه با پیشینیان دیگر نوازندگان، قابل‌دستیابی است.

پاک‌گیری بی‌دری پاساژهایی در خلال نوازندگی به منظور مهیج

جلوه دادن خط‌های ملودی، سرعت بالای حرکت مضرابه‌ها، پرش‌های ناگهانی مضرابه‌ها، بهره‌گیری از آکسان‌های با قدرت یکسان در مضرابه‌های چپ و راست از جمله ویژگی‌های بارز نوازندگی اردوان است. که برخی از این ویژگی‌ها به ندرت در آثار نوازندگان پیشین می‌توان چوفا شد. از جمله فرامرز پایور که با گزینشی عمل کردن این ویژگی‌ها در حد نیاز و مطلوب در آثار خود بهره گرفته است. پشتک کامکار برادر بزرگتر اردوان نیز به وفور و به‌جا مورد استفاده قرار داده است و همچنین پرویز مشکاتیان. بنابراین ریشه‌های مذکور سبب تردید در مقبولیت ثبت سبک به نام اردوان می‌شود. ولی آنچه که او از بقیه متمایز کرده، برجسته جلوه دادن تک‌نهی‌های نامبرده و دستیابی به صدایی متفاوت از ساز بوده که او را شاخص کرده است. از بُعد زیبایی‌شناسی، آثار اردوان فاقد انسجام فرمال، بافت و حتی گاهی اوقات دنباله‌چند می‌باشد و به همین دلیل موسیقی او پس از تقابلی چند غیرقابل شنیدن و با بهتر بگوئیم، گوش نوجوهی به شنیدن نداشته و به جز جسمی از اسوات درهم چیز دیگری نمی‌شود. بنابراین هر قاضی نو می‌توجه به فلسفه‌ی وجودی این بی‌نیان جلوه کرده و به مثابه‌ی گردآیی می‌داند که پس از عبور، تنها رزی از خود به جای می‌گذارد و صرف نظر از ایجاد کرد و غیره، هیچ حجت نمی‌شود.

صدا بعدی این نوتساز به تجربه اردوان کامکار در حوزه موسیقی فیلم می‌پردازد که با فیلم سنتوری به کارگردانی داریوش مهرجویی مورد استقبال عمومی قرار گرفت.

رسالت هنرمند ناگهان از درچه هنر به موضوعات روزمره با پیشی ریزینه‌ای است و به آنچه که در طول حیات، ما با آن سر و کار داریم می‌پیوندد. این موضوع، اتفاقاتی است که بر حسب علت، جزو ویژگی زندگی روزمره می‌باشد. ما حساب می‌آید هنرمند آن را از سایر هنرمندان، انتی، عناصر رنگ و تشکیل‌دهنده تمامی هنرها از جمله مضمون، بافت، هارمونی، متنک‌گامی بوده که فقدان هر یک، لطمه‌ای به اثر آن می‌زند و از سوی دیگر، اگر موسیقی در فیلم از عناصر مطروحه جزو خردار باشد و بطور مستقل از ساختار فیلم عمل کند، نفاذی جدا یافته می‌داند.

موسی اردوان، علیرغم فقدان برخی عناصر نامبرده، در بیان مضامین



فیلم که به البته مضامین تلخ و تیره‌ی آن بر کلیت فیلم غالب است. عبور در حال و هوای خود، ناتوان ماندن و همچنان ریتم یکسان را بدون هیچ زخاند موسیقایی به گوش می‌رساند. کما اینکه خواسته کارگردان باشد که در این صورت مانند هر فرد نا آشنا با موسیقی و صرفاً تنها با نوق شخص صورت گرفته است. و حال این محبوبیت موسیقی این فیلم را می‌توان به حساب موسیقی سازی اردوان گذاشت؟ در حالی که قرآن گواه بر این است که مخاطبین عام مقبولیت موسیقی فیلم را به دلیل حضور خواننده، پار و محسن چاووشی - در فیلم می‌داند که اینکه آثار این خواننده خوانده و باار و به وفور به گوش می‌رسد و از قطعات بدون کلام رکته در این فیلم می‌تواند پس بی‌غرض باید بگوئیم که موسیقی سنتی ناموفق است. آنچه که از این فیلم تنها به صورت مزین باید یاد کرد، سحر ظریف علاقه مردم به موسیقی، به خصوص آشنایی آنان از طریق دیداری بوده که خلاف اعتقاد و اسرار بی‌مورد برخی از مستشرقین بر حذف نمایش و پنهان کردن ادوات موسیقی بر صحنه تلویزیون و سینما است.

علیرغم اینکه موضوع فیلم نگرشی منفی در اذهان مخاطبین متناثر کرده که غالب نوازندگان و موسیقی‌دانان، گمراهی و الودگی به مواد مخدر است. مضمون عظیمانه فیلم چهره واقعی موسیقی‌دانان - با تمامی نقدفده‌های ذهنی و فلسفی و زیباشناسی - را مخدوش می‌کند. است. امید است آن دست از قلمت بپزند. در برای بیان اردوان کامکار در بهره‌گیری بیشتر از مطالعات و دانش‌های موسیقایی آرزوی موفقیت کرده و امید است بهره‌گیری تجارب خود در اصلاح آثار بعدی‌اش را شاهد باشیم.